

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفسیر سورہ لقمان آیات ۱۳ تا ۱۹

ویژہ مسابقات ترنم نور

پایہ نهم

دبیرستان دخترانہ امام حسین (علیہ السلام)

دورہ اول

آیه ۱۳: **وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ**

ترجمه: و (یاد کن) زمانی که لقمان به پسرش در حال موعظه‌ی او گفت: فرزندم! چیزی را همتای خدا قرار نده، زیرا که شرک (به خدا)، قطعاً ستمی بزرگ است.

نکته ها

موعظه، یکی از راه‌های دعوت به حق است و هیچ کس از آن بی‌نیاز نیست. یکی از نام‌های قرآن، موعظه است. «قد جائتکم موعظه من ربکم» و در کتاب‌های حدیث، فصلی مخصوص مواعظ به چشم می‌خورد. در برخی روایات آمده است: گاهی پیامبر صلی الله علیه وآله به جبرئیل می‌فرمود: «مرا موعظه کن». حضرت علی علیه السلام نیز گاهی به بعضی از یارانش می‌فرمود: «مرا موعظه کن، زیرا در شنیدن اثری است که در دانستن نیست.»

پیام ها

شیوه‌های تربیت فرزند را از بزرگان بیاموزیم. «و اذ قال لقمان لابنه» در موعظه باید ابتدا، ذهن و حواس شنونده را به خود متوجه کنیم. «یا بنی»

موعظه باید بر اساس حکمت باشد. «و لقد آتینا لقمان الحکمة... و هو یعظه»

فرزند، به نصیحت نیاز دارد. از فرزندانمان غافل نشویم. «قال لقمان لابنه

در تبلیغ، ابتدا از نزدیکان خود شروع کنیم. «قال لقمان لابنه» از بهترین راه‌های تربیت صحیح فرزند، گفتگوی صمیمی با اوست. «و هو یعظه یا بنی»

از رسالت‌های پدر نسبت به فرزند، موعظه است. «قال لقمان لابنه و هو یعظه» با نوجوان باید با زبان موعظه سخن گفت، نه سرزنش. «و هو یعظه یا بنی» موعظه باید با محبت و عاطفه همراه باشد. «یا بنی» یکی از شرایط تأثیر موعظه، احترام و شخصیت دادن به طرف مقابل است. «یا بنی»

در ارشاد و موعظه، مسایل اصلی را در اولویت قرار دهیم. «یعظه... لا تشرک»

مهم‌ترین و محوری‌ترین بُعد حکمت، توحید است. «آتینا لقمان الحکمة... قال... لاتشکر

شرک، بزرگ‌ترین خطر و اصلی‌ترین مسئله است، در نزد خداوند، همه‌ی دنیا متاع قلیل است، «متاع الدنيا قلیل»، ولی شرک ظلم عظیم است. «لظلم عظیم» یعنی اگر همه‌ی دنیا را به کسی بدهند که مشرک شود، نباید بپذیرد. مواعظ خود را با دلیل و منطق بیان کنیم. «لاتشکر... انّ الشرک لظلم عظیم»

معنای شرک: شرک، معنای وسیع و گسترده‌ای دارد که بارزترین آن شرک به معنای بت‌پرستی است و این نوع شرک، به فتوای فقها موجب خروج از جرگه‌ی دین و سبب ارتداد انسان می‌شود. شرک معنای دیگری نیز دارد: اطاعت بی چون و چرا از غیر خدا و یا پیروی از هوای نفس که قرآن می‌فرماید: «و لقد بعثنا فی کلّ امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت» و همانا فرستادیم در هر امتی رسولی، که خدا را عبادت کنید و از طاغوت اجتناب کنید. یا می‌خوانیم: «أفرأیت من اتّخذ الهه هواه» آیا ندیدی کسی که هوای نفس خود را خدای خود قرار داده است .

آثار شرک 1. حبیط عمل: شرک، کارهای خوب انسان را از بین می‌برد، همان گونه که آتش، درختان سبز یک جنگل را از بین می‌برد. قرآن، خطاب به پیامبر می‌فرماید: «لئن اشرکت لیحبطنّ عملک» اگر مشرک شوی، تمام اعمال نابود می‌شود. 2. اضطراب و نگرانی: هدف یک فرد خداپرست و موحد، راضی کردن خدای یکتاست که زود راضی می‌شود؛ اما کسی که به جای خدا در فکر راضی کردن دیگران باشد، دائماً گرفتار اضطراب و نگرانی است. زیرا تعداد مردم زیاد است و هر کدام هم خواسته‌ها و توقعات گوناگونی دارند. حضرت یوسف‌علیه السلام در زندان به دوستان مشرک خود فرمود: «أرباب متفرّقون خیر أم الله الواحد القهار»، آیا چند سرپرست و ارباب بهتر است یا یک خدای واحد. قرآن می‌فرماید: مثال کسی که از خدا جدا شود، مثال کسی است که از آسمان پرتاب شود و طعمه‌ی انواع پرندگان قرار گیرد و هر ذره‌ی او به مکان دوری پرتاب شود. «و من یشرک بالله فکانما خرّ من السماء فتخطفه الطیر او تهوی به الریح فی مکان سحیق» آری، توحید و بندگی خالص خداوند، قلعه‌ی محکمی است که انسان را از هدر رفتن، به هر کس دل بستن، دور هر کس چرخیدن، به هر کس امید داشتن، تملّق و ستایش از هر کس و رسیدن از هر کس، حفظ می‌کند. در حدیث می‌خوانیم: «کلمة لاله الا لله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»، توحید قلعه و دژ محکمی است که هر کس در آن وارد شود، از عذاب خداوند در امان خواهد بود. 3. اختلاف و تفرقه: در جامعه‌ی توحیدی، محور همه چیز خداوند است، رهبر، قانون و راه را خدا تعیین می‌کند و همه دور همان محور می‌چرخند، ولی در جامعه‌ی شرک آلود، به جای خدای واحد، طاغوت‌ها، سلیقه‌ها و راه‌های متعدّد وجود دارد و مردم را دچار اختلاف و تفرقه می‌نماید. قرآن می‌فرماید:

«لا تكونوا من المشركين . من الذين فرقوا دينهم» از مشرکان نباشید، از کسانی که (به خاطر سلیقه‌های شخصی و نظریات از پیش ساخته)، عامل تفرقه می‌شوند. 4. خواری و ذلت در قیامت: قرآن می‌فرماید: «لا تجعل مع الله الهأ آخر فتلقى في جهنم ملوماً مدحوداً» با خدای واحد، معبود دیگری قرار ندهید که با ملامت به دوزخ پرتاب خواهید شد.

مبارزه با شرک: اولین پیام و هدف تمام انبیا، مبارزه با شرک و دعوت به بندگی خالصانه خداوند است. «ولقد بعثنا في كل أمة رسولاً أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت» تمام گناهان، مورد عفو قرار می‌گیرد، جز شرک. «إن الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك» انبیا مأمور بودند با صراحت کامل از انواع شرک‌ها براءت جویند. شریک قرار دادن برای خداوند مردود است، گرچه درصد آن بسیار کم باشد.

آیه ۱۴:

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ

ترجمه: و ما انسان را درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را حمل کرد، در حالی که هر روز ناتوان تر می‌شد، (و شیر دادن) و از شیر گرفتنش در دو سال است، (به او سفارش کردیم که) برای من و پدر و مادرت سپاس گزار، که بازگشت (همه) فقط به سوی من است.

نکته ها

کلمه‌ی «وهن»، به معنای ضعف جسمانی است، چنانکه «توهین» به معنای تضعیف شخصیت است. دایره‌ی احسان، گسترده‌تر از انفاق است. احسان، شامل هر نوع محبت و خدمت می‌شود، ولی انفاق معمولاً در کمک‌های مالی به کار می‌رود. در قرآن کریم، احسان به والدین در کنار توحید مطرح شده است. «و قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» در آیه مورد بحث، ابتدا درباره‌ی نیکی به والدین سفارش شده، سپس به دوران بارداری مادر اشاره کرده تا وجدان اخلاقی انسان را تحریک و بیدار کند و به او تذکر دهد که گذشته‌ها را فراموش نکند. همواره به یاد داشته باشد که مادرش او را حمل کرد و از شیریه‌ی جاننش به او داد و به خاطر آسایش او از خواب و خوراک خود صرف نظر کرد که هیچ کس حاضر نبود چنین زحمت‌هایی را تحمل کند. چون حق مادر بیشتر در معرض تضییع است و یا حق او بیش از پدر است، خداوند سفارش مخصوص نموده است. والدین و فرزند، حقوق متقابل دارند، در آیه‌ی قبل موعظه پدر نسبت به فرزند مطرح شد، و در این آیه احسان و سپاس فرزند نسبت به والدین.

پیام ها

از سخن حق پیروی کنیم، چه موعظه‌ی بنده‌ی خدا باشد، «لقمان» و چه وصیت خداوند سبحان. «وصینا» همه‌ی انسان‌ها، در هر رتبه و شرایطی که باشند مدیون والدین هستند. «وصینا الانسان» («الانسان»، شامل همه‌ی مردم می‌شود

احترام والدین، حقی است انسانی نه فقط اسلامی، حتی والدین کافر را باید احسان نمود. «وصینا الانسان بوالدیه» آن که زحمت بیشتری می‌کشد، باید به صورت ویژه تقدیر شود و نامش جداگانه برده شود. «والدیه - أمّه» در فرمان‌های عمومی، باید استدلال نیز عام باشد. (چون مخاطب، همه انسان‌ها هستند، بارداری مادران مطرح است که مربوط به همه‌ی مردم است و هر انسانی مادر دارد). «حملته أمّه» به بهانه آن که کاری، وظیفه‌ی طبیعی فردی است، نباید از سپاس و احسان او، شانه خالی کنیم. (بارداری، امری طبیعی است، ولی ما مسئولیت داریم که به مادر احترام گذاریم و از زحمات او قدردانی کنیم). «حملته أمّه» یادی از گذشته‌ها کنیم تا روحیه‌ی شکرگزاری در ما زنده شود. «حملته أمّه»

دوران بارداری و شیردادن، از عوامل پدیدآورنده‌ی حقوق مادر بر فرزند و مهم‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت فرزند است. «حملۀ أمّه... و فصاله» جدا کردن کودک از شیر می‌تواند در خلال دو سال باشد و واجب نیست بعد از پایان دو سال باشد. (کلمه‌ی «فصال»، به معنای بازگرفتن کودک از شیر است و «فی عامین»، نشان آن است که در لابلای دو سال نیز می‌توان کودک را از شیر گرفت، گرچه بهتر است دو سال تمام شود

تحمل سختی در راه انجام وظیفه، سرچشمه‌ی پیدایش حقوق فوق العاده است. کسانی که با وجود ضعف و خستگی بار مسئولیتی را بر دوش می‌کشند، حق بیشتری بر انسان دارند. «وهناً علی وهن» سپاسگزاری از والدین، از جایگاه والایی نزد خداوند برخوردار است. «ان اشکر لی و لوالدیک» بعد از شکر خداوند، تشکر از والدین مطرح است.

سرانجام همه‌ی ما به سوی خداست، پس از ناسپاسی نسبت به والدین بترسیم. «الیّ المصیر» ایمان به رستاخیز، انگیزه‌ی عمل صالح از جمله احسان به والدین است. «الیّ المصیر» حق خداوند، بر حق والدین مقدم است. «ان اشکر لی و لوالدیک» تشکر و احسان به والدین، ما را از خداوند غافل نکند.

آیه ۱۵:

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

ترجمه: و اگر آن دو (پدر و مادر) تلاش کردند چیزی را که بدان علم نداری، شریک من سازی، از آنان فرمان مبر، ولی با آنان در دنیا به نیکی رفتار کن، و راه کسی را پیروی کن که به سوی من باز آمده است، پس بازگشت شما به سوی من است، من شما را به آنچه عمل می‌کردید آگاه خواهم ساخت.

نکته‌ها

در قرآن، سه نوع اطاعت داریم. 1: اطاعت مطلق نسبت به خداوند، پیامبر و اولی الامر. «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم». 2: عدم اطاعت مطلق از کافران، منافقان، مفسدان، گناهکاران، ظالمان و... «و لاتطع الکافرين و المنافقين» «لاتطع منهم اثناً أو کفوراً»، «لا تتبع سبیل المفسدين». 3: اطاعت مشروط نسبت به والدین؛ یعنی اگر دستورهای مفید یا مباح دادند، لازم است پیروی کنیم؛ اما اگر تلاش کردند فرزند را به غیر خدا فراخوانند نباید اطاعت کرد.

پیام ها

انسان به طور فطری گرایش توحیدی دارد و دیگران برای مشرک کردن او تلاش می کنند. «جاهداک

در کنار بیان کلیات، به تبصره‌ها نیز توجه داشته باشیم. (در کنار سفارش به اطاعت از والدین «وَصَيْنَا الْاِنْسَانَ»، به انحرافات احتمالی والدین نیز توجه شده است). «جاهداک علی ان تشرک شرک، هیچ گونه منطق علمی ندارد. «لیس لک به علم تقلید کورکورانه ممنوع است. «ما لیس لک به علم فلا تطعهما حقّ خدا، بر هر حقیّی از جمله حقّ والدین، مقدّم است. «فلاتطعهما» هرگاه الگویی را از کسی می گیریم، الگوی مناسب دیگری را جایگزین آن کنیم. «فلاتطعهما - واتبع»

در موارد انحرافی، اطاعت از والدین لازم نیست، ولی زندگی عادی را باید حفظ کرد. «فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفاً» همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان، بدون تبعیّت از فرهنگ آنان جایز است. «فلاتطعهما و صاحبهما... معروفاً»

کار خوب و معروف در هیچ حالی نباید ترک شود. «صاحبهما فی الدنیا معروفاً» تا آخر عمر باید با والدین به نیکی رفتار کرد. (حتّی با والدین مشرک) «صاحبهما فی الدنیا معروفاً»

انسان‌های خدایی، شایسته الگو شدن هستند. «وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ اَنَابَ اِلَىَّ» گاهی در انتخاب عقیده و رفتار در خانواده، تفکیک لازم است؛ در زندگی دنیوی همراه با والدین، ولی در پیروی کردن، راه پاکان و صالحان. «وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ اَنَابَ اِلَىَّ» ایمان به معاد، ضامن اصلاح امور و اطاعت انسان از راه خداست. «الّیّ مرجعکم» قیامت عرصه‌ی حضور انسان‌ها در محضر الهی است. «الّیّ مرجعکم فَاَنْتَبِئْکُمْ

آیه ۱۶

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ

يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

ترجمه: ای فرزندم! اگر (عمل تو) همسنگ دانه‌ی خردلی باشد و در دل تخته سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین نهفته باشد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد، زیرا که خداوند دقیق و آگاه است.

نکته‌ها

خردل گیاهی است با دانه‌های سیاه رنگ و بسیار کوچک که دانه‌های آن در کوچکی و حقارت ض است.

پیام‌ها

توجه دادن فرزند به علم و قدرت الهی، نشانه‌ی حکمت است. «آتینا لقمان الحكمة... یا بنی...» در موعظه، برای هر توصیه‌ای نام مخاطب را تکرار کنیم. (تکرار «یا بنی» در این سوره و تکرار «یا سوره‌ی مریم آیات ۴۰ تا ۴۵ ایمان انسان به حضور عملش در قیامت، سرچشمه‌ی اصلاح اوست. «إن تک مثقال حبة... یأت بها اا در یک ارزیابی و نظارت کامل، باید کوچک‌ترین کارها نیز مورد توجه قرار گیرد. «مثقال حبة من کوچکی، «خردل» سفتی، «صخرة» دوری و ناپیدایی، «السموات، الارض»، در علم الهی و قدرت ا عمل اثری ندارد. «یأت بها الله خداوند به همه چیز آگاه و بر همه چیز تواناست. «یأت بها الله... لطیف خبیر» اعمال انسان، در این جهان از بین نمی‌رود. «یأت بها الله حسابرسی خداوند دقیق است، زیرا او لطیف است

آیه ۱۷

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ترجمه:

فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی‌ها به تو می‌رسد مقاومت کن که این (صبر) از امور واجب و مهم است.

نکته‌ها

مراد از «عزم» در اینجا، یا عزم و اراده‌ی قطعی خداوند بر انجام این امور است و یا لزوم عزم و تصمیم جدی انسان بر انجام آنها. با این که در قرآن، ۲۸ مورد در کنار نماز از زکات یاد شده؛ اما در این جا کنار نماز امر به معروف ذکر شده است. شاید به خاطر آن که در این آیه مورد خطاب فرزند است و فرزندان معمولاً ثروتی ندارند که زکات بپردازند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرًا بِالْمَعْرُوفِ». حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: در مشقت و سختی‌هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو می‌رسد، صبر کن. صبر، گاهی در برابر مصیبت است، «و بَشْرًا لِلصَّابِرِينَ». الذین اذا أصابتهُم مصیبةٌ» گاهی در برابر انجام وظیفه، «و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک» و گاهی در برابر گناه، چنانکه یوسف در زندان گفت: «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ...» پروردگارا! زندان نزد من بهتر از ارتکاب گناهی است که مرا به آن می‌خوانند، تا آنجا که فرمود: «أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

پیام‌ها

یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان، سفارش به نماز است. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ» پاکسازی درونی را با دوری از شرک و بازسازی روحی را با نماز آغاز کنیم. «لا تشرك... اقم الصلاة»

وجوب امر به معروف و نماز، مخصوص دین اسلام نیست. (قبل از اسلام نیز، لقمان سفارش به نماز کرده است) «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرًا بِالْمَعْرُوفِ»

فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز، مؤمن و خدایی، و از طریق سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، افرادی مسئول و اجتماعی تربیت کنیم. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرًا بِالْمَعْرُوفِ»

آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببریم که معروف‌ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند. «يَا بُنَيَّ - وَ أَمْرٌ - وَ أُنْهَ»

بعد از توجه به مبدأ و معاد، مهم‌ترین عمل، نماز است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ» کسی که می‌خواهد در جامعه امر و نهی کند و قهراً با هوس‌های مردم درگیر شود، باید به وسیله‌ی نماز خودسازی و خود را از ایمان سیراب کند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرًا بِالْمَعْرُوفِ»

فرزندان خود را امر به معروف و نهی از منکر بار آوریم. «و امر بالمعروف...» امر به معروف، همیشه قبل از نهی از منکر است. «و امر بالمعروف و انه عن المنکر» رشد معروف‌ها در جامعه، مانع بروز بسیاری از منکرات می‌گردد.

در مسیر حق بودن کافی نیست، لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم. «و امر بالمعروف» چنانکه در سوره عصر می‌خوانیم: «الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق» در تبلیغ دین و اجرای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، باید صبر و سعه‌ی صدر داشته

باشیم. «واصبر علی ما أصابک» نهی از منکر، با تلخی‌ها و نیش‌زدن‌های گناهکاران همراه است، مبادا عقب‌نشینی کنیم.

پدر حکیم، رسیدن سختی به فرزندش را می‌پذیرد و فرمان صبر می‌دهد، ولی ضربه به مکتبش را که سکوت در برابر فساد باشد، هرگز. «و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک» امر به معروف و نهی از منکر از مسایل مهم است و صبر در برابر آنچه در این راه به انسان می‌رسد ارزش دارد.

آیه ۱۸

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

ترجمه: و روی خود را از مردم (به تکبر) بر مگردان، و در زمین مغرورانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

نکته‌ها

تصعیر: نوعی بیماری است که شتر به آن گرفتار می‌شود و گردنش کج می‌شود. لقمان به فرزندش می‌گوید: تو بر اساس تکبر مثل شتر بیمار، گردنت را با مردم کج نکن. مَرَح، به معنای شادی زیاد است که در اثر مال و مقام به دست می‌آید. مُخْتَال به کسی گویند که بر اساس خیال و توهم خود را برتر می‌داند، و «فَخُور» به معنای فخر فروش است. تکبر، هم توهین به مردم است، هم زمینه ساز رشد کدورت‌های جدید و هم تحریک کننده‌ی کینه‌های درونی قدیم. در حدیث می‌خوانیم: هر کس با تکبر در زمین راه رود، زمین و هر موجودی که زیر و روی آن است، او را لعنت می‌کنند.

پیام‌ها

با مردم، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، با خوشرویی رفتار کنیم. «لا تصعّر خدک للناس تکبر ممنوع است، حتی در راه رفتن. «لا تمش فی الارض مرحا» از عامل خشنودی خداوند برای تشویق و از ناخشنودی او برای ترک زشتی‌ها و گناهان استفاده کنیم. «ان الله لایحب» به موهومات، خیالات و بلندپروازی‌ها خود را گرفتار نسازیم. «مُخْتَال» بر مردم فخر فروشی نکنیم. «ان الله لایحب کلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» تواضع: در این آیه لقمان به فرزندش می‌گوید: در زمین متکبرانه راه نرو «لا تمش فی الارض

مرحاً» و در سوره‌ی فرقان، اولین نشانه‌ی بندگان خوب خدا، حرکت متواضعانه‌ی آنهاست. «و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا» یکی از اسرار نماز که در سجده‌ی آن بلندترین نقطه بدن را (حداقل در هر شبانه روز ۳۴ مرتبه در هفده رکعت نماز واجب) روی خاک می‌گذاریم، دوری از تکبر، غرور و تواضع در برابر خداوند است. گرچه تواضع در برابر تمام انسان‌ها لازم است؛ اما در برابر والدین، استاد و مؤمنان لازم‌تر است. تواضع در برابر مؤمنان، از نشانه‌های برجسته‌ی اهل ایمان است.

آیه ۱۹:

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

ترجمه:

و در راه رفتن میانه رو باش و از صدایت بکاه زیرا که ناخوشترین صداها صدای خران است.

نکته‌ها

امام حسن علیه السلام می‌فرماید: تند راه رفتن، ارزش مؤمن را کم می‌کند در حدیث می‌خوانیم: در دعوت مردم به سوی خداوند و تلاوت قرآن، بلند کردن صدا اشکال ندارد. در سفارش‌های لقمان، نه امر، سه نهی و هفت دلیل برای این امر و نهی‌ها آمده است: نه امر: ۱. نیکی به والدین. ۲. تشکر از خدا و والدین. ۳. مصاحبت همراه با نیکی به والدین. ۴. پیروی از راه مؤمنان و تائبان. ۵. برپا داشتن نماز. ۶. امر به معروف. ۷. نهی از منکر. ۸. اعتدال در حرکت. ۹. پایین آوردن صدا در سخن گفتن. و اما سه نهی: ۱. نهی از شرک. ۲. نهی از روی گردانی از مردم. ۳. نهی از راه رفتن با تکبر. و اما هفت دلیل: 1. چون شکرگزاری انسان به نفع خود اوست، پس شکرگزار باشید. «و من یشکر فإنما یشکر لنفسه. 2. چون شرک، ظلم بزرگی است، پس شرک نورزید. «ان الشرک لظلم عظیم. 3. چون بازگشت همه به سوی اوست و باید پاسخگو باشید، پس به والدین احترام بگذارید. «إلیّ المصیر»، «الیّ مرجعکم. 4. چون خداوند بر همه چیز آگاه است، پس مواظب اعمال خود باشید. «ان الله لطیف خبیر. 5. چون شکیبایی از کارهای با اهمیت است، پس صابر باشید. «ان ذلک من عزم الامور». 6. چون خداوند متکبران را دوست ندارد، پس تکبر نورزید. «ان الله لایحب کلّ مختال فخور. 7. چون بدترین صداها، صدای بلند خران است، پس صدای خود را بلند نکنید. «ان انکر الاصوات لصوت الحمیر».

پیام ها

-اسلام، دین جامعی است و حتی برای راه رفتن دستور و برنامه دارد. «واقصد فی مشیک»

در آیین الهی، عقاید و اخلاق در کنار هم مطرح است. «لاتشرك بالله... واقصد فی مشیک»

میان‌روی، دوری از افراط و تفریط، و متانت در راه رفتن، سفارش قرآن است. «واقصد فی مشیک»

نه فقط در راه رفتن، بلکه در همه‌ی کارها میان‌روی را مراعات کنیم. «واقصد فی مشیک»

صدای خود را کوتاه کنیم، از فریاد بیهوده پرهیزیم و بیانی نرم و آرام داشته باشیم. «واغضض من صوتک»

فریاد کشیدن و بلند کردن صدا، امری ناپسند و نکوهیده است. «واغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر»